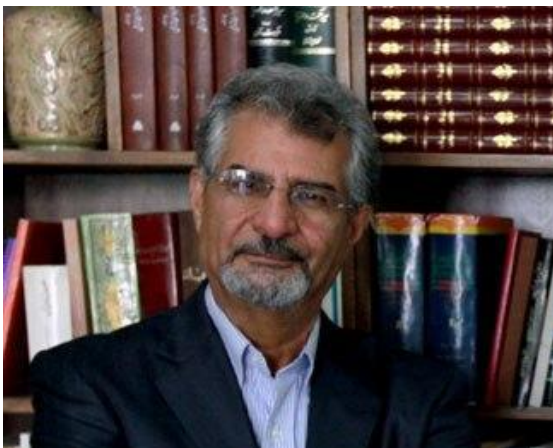


معرفی اجمالی دکتر کیهان نیا

برای آشنایی بیشتر شما با دکتر کیهان نیا شرح مختصری از بیوگرافی ایشان را در زیر مطالعه فرمایید.



۱. مشاوره خانواده از امریکا در رشته رفتار درمانی

۲. کارشناس رادیو و تلویزیون با ۱۶۰۰ برنامه که کماکان ادامه دارد

۳. مشاوره خانواده با سی سال سابقه (مشاوره قبل از ازدواج و

حل اختلافات زناشویی)

۴. نویسنده و مترجم ۲۳ کتاب پر فروش که بعضی از آنها

۱۰ تا ۲۰ بار مجددا چاپ شده اند

۵. ناشر کتاب های خود و دیگران با ۱۵ سال سابقه در نشر

۶. نویسنده مقالات خانوادگی در مجلات روزهای زندگی،

خانواده سبز، فضیلت خانواده، جوانان امروز، پیام شادی و

شادکامی و موفقیت، طپش، دنیای زنان، ذهن برتر، راه صبح

و روزنامه های جام جم، ایران، قدس، همبستگی با بیش از ۸۰۰ مقاله تحقیقی در امر خانواده و هنر بهتر زیستن

۷. مدرس و سخنران مجامع فرهنگی و دانشگاهی در امور ازدواج دانشجویی، نهاد رهبری و روابط دختر و پسر

۸. رئیس هیئت مدیره موسسه فرهنگی در راه کمال که آموزش خود شناسی و راهنمای ازدواج و تفاهم در خانواده را به

خانواده می دهد.

۹. صاحب امتیاز و مدیر مسئول مجله خانوادگی در راه کمال با ۵۰۰۰۰ تیراژ

۱۰. وکیل دادگستری فقط در امور مشاوره خانواده با ۳۰ سال سابقه حقوقی بدون حضور در دادگستری

در آخرین صفحه این کتاب برای شما

پیشنهاد ویژه ای در نظر گرفته ایم!!!

یکی از دغدغه ها و **مشکلات نوجوانان** این است که علاقه ای به مهمانی رفتن و سفر کردن با پدر و مادر خود ندارند. والدین دوست دارند تا فرزندانشان در کنارشان باشند، اما نوجوان در این میان ساز مخالف می زند و بیشتر علاقه دارد با همسالان خود معاشرت کنند.

والدین معمولاً از **نوجوانان** خود جملاتی شبیه جملات زیر را می شنوند:

دوست ندارم میهمانی بیایم

از خانه فلانی خوشم نمی آید

دوست دارم در خانه تنها باشم

می خواهم با دوستانم گردش و مسافرت بروم و....

این دسته از **مشکلات نوجوانان** مربوط می شود به مهم ترین ویژگی ها و نیازهای دوران نوجوانی که همان نیاز به استقلال و آزادی است. البته این مساله باید در چهار چوب خانوادگی هر نوجوان انجام شود. زیرا برآورده شدن این نیازها در حد تعادل موجب ایجاد اعتماد به نفس نوجوان می شود ولی اگر این نیازها بیشتر از حد تعادل برآورده شوند باعث ایجاد بی نظمی در نظام خانوادگی و یا به وجود آمدن یک نوجوان ناسازگار می شود



مشکلات نوجوانان

مادری برایم تعریف می کرد: ما فامیل پر جمعیتی هستیم و شوهرم، چند برادر و خواهر دارد که ما ناچاریم همیشه با آن ها باشیم، ولی حسن، پسر، از معاشرت با عموها و عمه هایش فراری است. فرزندم علاقه ای به مهمانی رفتن ندارد. بیشتر وقت ها به زور به مهمانی می آید. اصلا این بچه از مردم فراری است. من نمی خواهم فرزندم تنها در خانه بماند، برای این که بچه ها در تنهایی، کار دست خودشان می دهند. هر وقت که ما تنها به مهمانی عموهایش می رویم، آن ها مرا سوال پیچ می کنند چرا حسن دلش می خواهد توی خانه بنشیند. آن ها در عین این که از من سوال می کنند، ولی در لابه لای حرف هایشان گوشه و کنایه می زنند. من از این وضع خسته شده ام و هر چه به پسر می گویم، فایده ندارد

متوجه شدم توضیحات مادر کافی نیست و از علت فراری بودن و عدم علاقه نوجوان به مهمانی، بی خبر مانده ام. به او گفتم: پس از این که پسران را دیدم، مشاهدات خودم را برایتان بیان می کنم. مادر در حالی که اتاق را ترک می کرد، اضافه کرد: آقای دکتر کیهان نیا! ترا به خدا نصیحتش کنید، به او بگویید به نفعش هست که هر چه ما می گوئیم گوش کند، آخر ما که ضرر او را نمی خواهیم. به او قول دادم که به روش خودم با حسن حرف می زنم و حتما از علت نیامدنش به مهمانی مطلع می شوم. او را راضی کردم تا فعلا با خیال راحت به منزل برود.

پس از این که حسن را دیدم، متوجه خیلی از مسایل شدم. او جثه ریزی داشت و خیلی سبزه بود. موهایش حالت درستی به خود نمی گرفت و تازه پشت لبش سیاه شده بود. صدایش هم متناسب سن سالش، در حال تغییر و رو به کلفت شدن بود، گویا خودش هم از این وضع راضی نبود.

خیلی زود با هم خودمانی شدیم. با شوخی هایم او را وادار به خنده کردم و به او اطمینان دادم که او را نصیحت و وصیت نمی کنم و به جای این که من بخوایم به او بگوئیم چکار باید بکند، او باید به من بگوید که چه کاری خوب و چه کاری بد است. هم چنین برای این که به او بفهمانم از او ضاع و احوالش با خبرم و با پیشداوری، تمام حق را به مادرش نداده ام، به او گفتم: تو حتما برای نرفتن به مهمانیهای فامیلی دلیلی داری، ولی نمی خواهی آن را با مادرت در میان بگذاری، دلت می خواهد آن را برای من بگویی؟

پس از این که اطمینان پیدا کرد که حرف هایش را با مادرش در میان نمی گذارم، گفتم: من حرفی که به مهمانی بروم، ولی هر وقت که به خانه یکی از فامیل می رویم، آن ها با سوالات متعدد شان مرا کفری می کنند

چند روز پیش رفته بودیم خانه عموعلی، هنوز چند کلمه با من حرف نزده بود که پیش همه به من گفتم: حسن صدات خیلی کلفت شده! داری حسابی مرد می شوی! پشت لب ت هم که سبز شده! خب! بگو بینم بامعدل چند قبول شدی؟ اصلا نمره ریاضی ات چند شده؟ بقیه درس ها را ول کن!

هنوز حرفهای عمو علی تمام نشده بود که زن عمویم، که یک پسر هم سن من دارد، به حرف در آمد و گفت: حسین ما که نمره ریاضی اش ۱۹ / ۵ شده. او باعث شده که ما هر وقت به مدرسه اش می رویم، خوشحال برگردیم، برای این که همیشه معلمش از درس و مشقش تعریف می کند. حسین پسر من، واقعا یک پارچه آقااست! پدر و مادرم که نمی دانند آن ها چرا این حرف ها را می زنند، اصلا صبحتی نمی کنند. عموی من می خواهد به پدرم بگوید که پسر من از پسر تو بهتر است. او می خواهد ثابت کند که پسرش از هر نظر از همه بهتر است. آن ها نمی خواهند بدانند که نمره من چند است، آن ها فقط می خواهند به پدرم سرکوفت بزنند.

اصلا به آن ها چه ربطی داره که نمره من چند است؟ پسر خر خونشان که کمرش زیر فشار اون همه درس خم شده زندگیش سیاه شده تا بتوانند نمره ۱۹ یا ۲۰ برای پدر و مادرش بیاورد! هر کسی یک جور درس می خواند. من به نمره ۱۷ خودم راضی ام. من می خواهم از زندگی ام استفاده کنم. به عمو علی چه مربوط است که نمره من چند است؟ او تا مرا می بیند، شروع به نصیحت کردن می کند. آن ها به طور غیر مستقیم به پدر من می گویند که بلد نیست بچه تربیت کند. حالا عمو علی یک طرف، عمه شهین که دیگر از همه بد تر است! دایما آدم را سوال پیچ می کند. چه ورزشی می کنی؟ کلاس چندمی؟ رابطه ات با دخترا چطوریه؟ و از این قبیل حرف های بیهوده. یک دفع نشد که من بروم خانه یکی از فامیل ها و آن ها کاری به کارم نداشته باشند. من دوست دارم با دوستانم به گردش بروم زیرا وقتی با آنها بیرون می روم خیلی به من خوش می گذرد

خب! این نوجوان همه مسایل را به خوبی تعریف کرد و نیازی به توضیح بیشتر باقی نماند. فقط والدین باید به یاد داشته باشند که نوجوان به علت نداشتن اعتماد به نفس کافی، قادر نیست که به راحتی با دیگران را بطه ایجاد کند. او این حرف ها را در

دفترم به زبان آورد، ولی قادر نیست حتی نیمی از این حرف ها را با عمو و عمه اش در میان بگذارد، بنابراین یا سکوت می کند و یا از رفتن به مهمانی به بهانه های مختلف طفره می رود. نوجوانی که هنوز به رشد عقلانی نرسیده و زمینه تحصیلی اش به مرحله نرسیده که خود را با سواد بداند نمی تواند در هر بحثی خود را شریک کند و بنابراین قادر نیست که در هر مجلسی شرکت کند گاهی احساس شرم و گاهی حقارت مانع حضور او در این گونه مهمانی های می شود. او دوست دارد با افرادی رفت و آمد کند که هم سن و سال خودش هستند و از بودن در کنار آنها لذت می برد

این دسته از **مشکلات نوجوانان** طبیعی است، اقتضای سن آنهاست و خیلی زود برطرف می شود. فقط شما بی جهت به آن ها برای آمدن به مهمانی اصرار نکنید و اگر ناچارید که آن ها با شما باشند قبل از هر چیز تمهیدات لازم را پیش بینی کنید و اجازه ندهید با سوال پیچ کردن نوجوانتان باعث آزار روحی او بشوند. پشتیبانی به موقع از فرزندتان واجب است و او را دلگرم می کند و باعث می شود که ترس از حضور در مهمانی را فراموش کند

پیشنهاد میکنم این فرصت را از دست ندهید!

از شما دعوت میکنیم در دوره ی غیر حضوری و **رایگان** دکتر کیهان نیا ثبت نام کنید.

ارزش این دوره به صورت حضوری ۴۰۰ هزار تومان است ولی شما می توانید به صورت **رایگان** در این دوره شرکت کنید (**به مدت محدود**)

در این دوره در مورد چه مواردی صحبت خواهد شد؟

- در چه صورت مرد به همسرش وفادار نمی ماند؟
- رفع دلخوری از همسر
- شوهرتان را برای همیشه عاشق خود کنید!
- نیاز مهم و اساسی شوهرتان چیست؟

- اگر همسرتان شما را رنجاند چه عکس العملی داشته باشید؟
- همبستری زن و شوهر چگونه باید باشد؟
- چه کنیم تا از گفتگوهایمان نتیجه بگیریم؟
- چکار کنید در حین گفتگو کارتان به دعوا و قهر نکشد

و ...

برای عضویت رایگان روی تصویر زیر کلیک کنید:



دکتر کیهان نیا در این دوره آموزشی برای شما هدیه دارد!